

۱۳	تعاریف
۱۳	تقسیم بندیهای هنر
۱۴	ملودی
۱۴	ریتم
۱۵	وزن
۱۵	صوت
۱۵	ویژگیهای صوت (۱)
۱۶	نت
۱۶	حامل
۱۷	درختچه نت
۱۸	آزمون درک مطلب
	فصل دوم
۲۱	سکوت ها
۲۱	نقطه
۲۱	دو نقطه
۲۲	آزمون درک مطلب
	فصل سوم
۲۵	میزان
۲۵	خط میزان
۲۵	عدد میزان
۲۵	ضرب
۲۵	سر ضرب
۲۵	انواع میزان
۲۶	تبدیل میزان ساده به ترکیبی
۲۶	نحوه تشخیص میزانها
۲۷	خط اتحاد و اتصال
۲۸	ضد ضرب
۲۸	سنگوب
۲۸	جمله موسیقایی
۲۹	شروع و فرود
۲۹	سرعت
۳۰	آزمون درک مطلب
	فصل چهارم
۳۲	ارزش زمانی نتها
۳۲	وزنخوانی
۳۴	آزمون درک مطلب

Shiraz-Beethoven.ir

فصل پنجم

۳۶	سایر تقسیمات آنها
۳۷	ریتم های متشابه
۳۸	علائم تکرار
۳۹	دینامیک
۴۰	آزمون درک مطلب

فصل ششم

۴۲	عوامل تولید و درک صدا
۴۲	صوت
۴۲	انتشار صوت
۴۲	سرعت صوت
۴۲	انعکاس صوت
۴۳	ویژگیهای صوت (۲)
۴۴	مشخصه های صوت
۴۴	مشخصه های موج صوتی
۴۵	تقسیم بندی صدای انسان
۴۶	آزمون درک مطلب

فصل هفتم

۴۹	تمرینات و زنجوانی
----	-------------------

فصل هشتم (ساختمان سازهای کوبه ای)

۶۹	تاریخ پیدایش ریتم
۷۰	تاریخچه دف
۷۱	ساختمان دف
۷۵	تاریخچه تمبک
۷۷	ساختمان تمبک
۷۹	منابع و مأخذ

Shiraz-Beethoven.ir

گاهی اوقات از چاپ دیجیتال یا کلا هنرهای کامپیوتری به عنوان هنر هشتم یاد می‌شود.

♦ تقسیم‌بندی‌های عرفی

نمونه دیگر تقسیم‌بندی هفت هنر به ترتیب زمان ایجاد یا توسعه عبارتند از:

Shiraz-Beethoven.ir

۱. نقاشی

۲. مجسمه‌سازی

۳. معماری

۴. ادبیات

۵. موسیقی

۶. تئاتر

۷. سینما

اکنون به طور کاملتر، به بررسی هنر موسیقی می‌پردازیم.

با توجه به تعریف کلی‌ای که از هنر ارائه شد، می‌توان موسیقی را این چنین تعریف نمود:

موسیقی بیان عواطف و احساسات هنرمند است بوسیله صوت.

موسیقی را به گونه‌ای دیگر نیز می‌توان تعریف کرد:

موسیقی علمی است که به تولید صداهای خوشایند می‌پردازد.

یا عرضه کردن صداهای خوشایند در مقطع‌های زمانی.

پس نکته‌ای که بسیار واضح است، اینست که برای وجود آوردن موسیقی، قطعاً نیازمند صوت یا صدا هستیم.

اما، صوتی که در موسیقی بکار گرفته می‌شود، باید دارای شرایط و ویژگی‌های مشخصی باشد. ویژگی‌های صوت

در آینده بطور کامل شرح داده خواهند شد.

در یک تقسیم‌بندی کلی، موسیقی به دو قسمت بزرگ تقسیم می‌شود:

۱. ملودی

۲. ریتم

با توجه به اینکه هدف اصلی این کتاب، بررسی و آشنایی با ریتم است، لذا بررسی کامل ملودی را به مجالی

دیگر موکول می‌کنیم و در اینجا، پس از تعریفی کوتاه از ملودی، به بررسی ریتم می‌پردازیم.

◀ ملودی

بطور کلی تعدادی صداهای موسیقی را گویند که در پی هم اجرا یا شنیده شوند. این مفهوم در برابر هارمونی

- یعنی آن صداهایی که دسته دسته (همزمان) و یکجا به صدا در می‌آیند - قرار می‌گیرد. ملودی را می‌توان

خطی افقی، و هارمونی را عاملی عمودی در موسیقی دانست که هر دو، سازنده بافت موسیقی هستند. ملودی

حتی در ساده ترین شکل خود، نمی‌تواند از ریتم جدا باشد. در واقع ابتدایی ترین عامل ملودی، یعنی تک صدای

موسیقایی دو خصیصه اساسی دارد: «زیر و بمی»، و «دیزند» که هر دو نقشی برابر در ساختمان ملودی دارند.

◀ ریتم

در یک تعریف کلی، می‌توان ریتم را احساس حرکت در موسیقی که تأکیدی قابل ملاحظه بر نظم - نظمی

تکراری و دورانی - که اختلاف قوت و ضعف ضربها نیز از آن درک می‌شود، دانست. دو عامل یادشده (نظم و

اختلاف)، در بسیاری از پدیده های طبیعی مانند تنفس (دوره منظم دم و بازدم و اختلاف میان آن دو)، ضربان

قلب (انقباض و انبساط آن)، حرکت دریا (جزر و مد) و دوره‌های چند زمانه مانند دوره شبانه روز، گردش سال

و ... دیده می‌شود.

ریتم و تغییرات زیر و بمی صداها، دو عامل تجزیه پذیر در ملودی هستند که اولی به معنی «حرکت در زمان»

و دومی «حرکت در فاصله» (بین نتهای زیر و بم) است.

انسانی که بر اثر تمرین، یا در نتیجه استعداد طبیعی، دارای گوش حساسی شده است، اختلاف تأکید در

اصوات موسیقی را به سادگی درک می‌کند. ولی هر انسان، تا اندازه‌ای از الگوهای ریتمیک با دوره‌ها، تکرار،

ضربه‌های موسیقی، تاثیر می‌گیرد. تقریباً هر کسی قادر است گام‌های خود را در زمان راه رفتن با ضرب قطعۀ مارش رژه نظامی منطبق نماید. یا هر کسی می‌تواند در لحظه شنیدن یک موسیقی بوسیله د بشکن زدن، سینه زدن، پا کوبیدن و... ضرب بگیرد.
 اما درکی دقیق‌تر از ریتم موسیقی را شاید بتوان با ادای یک کلمه در نظر مجسم کرد. مثلاً فرد هجاست و بنظر می‌رسد که هجای دوم (- دا) موکدتر از هجای اول (فر -) باشد. هرگاه بخواهیم این آواز بخوانیم، باید هجای (فر -) بر روی ضرب ضعیف و هجای (- دا) بر روی ضرب قوی قرار گیرد. (در ضرب ضعیف و قوی در فصل سوم صحبت خواهیم کرد.)

♦ وزن

ادراکی است که از توالی منظم ضربه‌های قوی و ضعیف حاصل می‌شود و نباید تفاوت آشکار را نادیده گرفت. وزن پدیده‌ای است که باعث می‌شود نثر را از نظم باز شناسیم. ریتم در معنای لغوی نوعی حرکت تناوبی اطلاق می‌شود. مثل گردش زمین به دور خورشید که یک تناوب یک ساله است. روی یک سطح، به ترتیب یک ضربه قوی و یک ضربه ضعیف با فواصل زمانی ثابت اجرا کنیم، یک گردش) دوضربی بوجود آورده‌ایم.

♦ صوت

صوت از ارتعاش سریع اجسام در محیط مادی (جامد، مایع، گاز) بوجود می‌آید. به حرکت نوسانی شدید ارتعاش گویند. صوت در طبیعت به دو صورت شنیده می‌شود:

موسیقایی (موزیکال): صدایی که پر یودیک و دارای زیر و بمی معین باشد. } صوت
 غیر موسیقایی (غیرموزیکال): صدایی که دارای زیر و بمی معین نباشد.

صداها ی موسیقایی، باید دارای شرایط و ویژگی های زیر باشند:

Shiraz-Beethoven.ir

ویژگیهای صوت }
 ۱- شدت
 ۲- زیر و بمی
 ۳- کشش
 ۴- رنگ

اکنون به تشریح هر یک از ویژگی های صوت می‌پردازیم.

◀ شدت (قدرت، دینامیسم):


همانگونه که از نامش پیداست، صداها می‌توانند با شدت و ضعف های مختلف نسبت به هم اجزای معنی که اگر نوازنده تار مضرابش را محکم به سیم بزند، صدای قوی، و اگر آهسته مضراب بزند، بوجود آورده است.

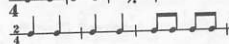
◀ زیر و بمی (ارتفاع، نواک):


قبلاً بیان کردیم که صدای موسیقایی باید دارای زیر و بمی معین باشد. بدین معنی که صدای می‌توانند در سطوح گوناگون زیر و بمی بوجود بیایند. مثلاً می‌دانیم که صدای مردان از صدای زنان بم‌تر یا «کلفت» تر است. و صدای زنان و کودکان از صدای مردان زیر تر یا «نازک» تر است. مثلاً کلیدها هرچه به سمت راست نوازنده می‌روند، صدای زیر تر، و هرچه به سمت چپ نوازنده می‌تری تولید می‌کنند.


◀ علائم تکرار:

بعضی اوقات آهنگساز لازم می‌داند یک یا چند میزان را در قطعه تکرار نماید. برای این منظور علائمی وجود دارند که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم:

✓ تکرار یک میزان قبل: 

✓ تکرار دو میزان قبل: 

✓ علامت شروع تکرار: 

✓ علامت پایان تکرار: 

✓ نکته: علامت‌های شروع و پایان تکرار برای تکرارهای بزرگتر از دو میزان استفاده می‌شوند. و مکمل یکدیگر هستند.

✓ تذکر ۱: علامت شروع تکرار در قطعه تاثیری ندارد. هرگاه در قطعه با این علامت برخورد داشتیم باید از آن عبور کرده و منتظر علامت پایان تکرار باشیم. به محض رسیدن به علامت پایان تکرار، باید قطعه را از علامت شروع تکرار کنیم.

✓ تذکر ۲: اگر در داخل تکرارهای بزرگ، از تکرارهای کوچک استفاده شده باشد، هم در اصل قطعه و هم در تکرار بزرگ، تکرارهای کوچک باید اجرا شوند.

✓ نکته: اگر در وسط و یا پایان قطعه، علامت پایان تکرار آمده باشد و علامت شروع تکرار نباشد، به این معنی است که قطعه از محل علامت پایان تکرار، باید از اول تکرار شود.

✓ وقتی یک جمله دو مرتبه تکرار می‌شود و در دفعه دوم یک یا دو میزان آخر جمله با دفعه اول اختلاف دارد از علامت **وَلت** استفاده می‌شود و روی میزان‌هایی که دفعه اول نواخته می‌شود می‌نویسند "1" (به معنی **وَلت اول**) و بعد از دولا خط تکرار (پایان تکرار) روی میزان‌هایی که باید در دفعه دوم اجرا شود می‌نویسند "2" (به معنی **وَلت دوم**). به مثال زیر توجه کنید:

✓ تکرارهای بزرگ D.C:

Da Capo (در زبان ایتالیایی به معنای آغاز). یک بخش را از آغاز تکرار کردن که غالباً با نشانه اختصاری D.C مشخص می‌شود. هرگاه بصورت **Da Capo al Fine** بکار رود، به این معنی است که قطعه از علامت **D.C al Fine** به اول برگشت می‌کند و تا علامت **Fine** تکرار می‌شود و به اتمام می‌رسد.

✓ تکرارهای بزرگ D.S:

برای برگشت‌های طولانی علامت‌های زیر در اول و آخر جمله‌هایی که باید تکرار شوند گذاشته می‌شوند و گاهی در محلی که علامت (نشانه) دوم گذاشته شده، نوشته می‌شود **Al Segno** (در زبان ایتالیایی به معنی تا نشانه). هرگاه از این نشانه برای برگشت انتخاب کردیم باید در نقطه‌ای که برگشت شروع می‌شود مانند همین نشانه گذاشته می‌شود.

✓ نکته: باید دانست که بکار بردن این علامت برای تکرار، وقتی ضرورت پیدا می‌کند که در بین دو نشانه یک یا چند علامت تکرار کوچکتر وجود داشته باشد.

این علامت در انتهای قطعه نوشته می‌شود و اتمام قطعه را نشان می‌دهد.

دینامیک (Dynamic):

دینامیک در لغت به معنی پویایی و تحرک است. ولی در موسیقی به معنای شدت و ضعف در قدرت اجراء قطعات است. برای تعیین شدت و ضعف صدا یا همان دینامیکِ قطعه علامت‌هایی وجود دارد که بیان می‌شوند.

آکسان (Accent):

واضح‌ترین شیوه برای تأکید بر یک نت، اجراء آن به شکلی قوی‌تر از نت‌های مجاور یا به عبارت دیگر با علامت آکسان (>) نشان داده می‌شود، تأکید بر روی تک نت

علائم دینامیکی گروهی:

آهسته - نرم (p)

خیلی آهسته (pp)

بطور معتدل آهسته (mp)

بلند - قوی (f)

خیلی بلند - خیلی قوی (ff)

بطور معتدل قوی (mf)

تأثیر علائم بالا به صورتی است که در قطعه ادامه پیدا می‌کند تا جایی که دوباره علامت دینامیکی عوض شود.

نکته: تأثیر این علائم بصورت یکنواخت و مقطعی است. به این معنی که اگر لازم باشد از حالت پورتو به تغییر حالت دهیم، باید دفعتاً این اتفاق رخ دهد. در مقابل، علائمی وجود دارد که تغییر حالت را تدریجاً اعمال می‌کند. در زیر به توضیح آنها می‌پردازیم.

رشد (Cresc.):

رشدندو - صدا به تدریج



کاهش (Decresc.):

کاهشندو (Dim.)

کاهشندو - (دیمینوئندو) صدا به تدریج



Shiraz-Beethoven.ir

Musical notation for measures 34 and 35. The notation is on a single staff with a treble clef and a 2/4 time signature. Measure 34 contains a sequence of eighth and sixteenth notes. Measure 35 features a dotted quarter note followed by a half note, then a quarter note, and finally a quarter note with a fermata. The piece concludes with a double bar line.

Musical notation for measures 36 and 37. The notation is on a single staff with a treble clef and a 2/4 time signature. Measure 36 begins with a 3/4 time signature change and contains several triplet markings over eighth notes. Measure 37 continues with similar triplet patterns. The piece ends with a double bar line.

Musical notation for measures 38 and 39. The notation is on a single staff with a treble clef and a 2/4 time signature. Measure 38 starts with a 3/4 time signature change and features a series of triplet markings. Measure 39 continues with similar triplet patterns. The piece ends with a double bar line.

Musical notation for measures 40 and 41. The notation is on a single staff with a treble clef and a 2/4 time signature. Measure 40 begins with a 3/4 time signature change and contains a series of triplet markings. Measure 41 continues with similar triplet patterns. The piece ends with a double bar line.

A handwritten musical score for a single melodic line, consisting of 10 staves. The notation is dense, featuring a variety of rhythmic patterns including eighth and sixteenth notes, often grouped in beams. There are several instances of sixteenth-note runs. The piece concludes with a double bar line and a fermata.

A handwritten musical score for a single melodic line, consisting of 6 staves. It begins with a treble clef and a 2/4 time signature. The notation is dense, featuring a variety of rhythmic patterns including eighth and sixteenth notes, often grouped in beams. There are several instances of sixteenth-note runs. The piece concludes with a double bar line and a fermata.

A handwritten musical score for a single melodic line, consisting of 2 staves. It begins with a treble clef and a 2/4 time signature. The notation is dense, featuring a variety of rhythmic patterns including eighth and sixteenth notes, often grouped in beams. There are several instances of sixteenth-note runs. The piece concludes with a double bar line and a fermata.